



Feasibility Study Criminalization of Judicial Comment of Famous People in the Light of the Principle of Freedom of Speech

Sayed Amrollah Hoseini*¹, Aref Bashiri², Tahere Bashiri³

1. Associate Professor Department of Fiqh and Islamic Law, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. (Corresponding Author)

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

3. M.A, Imam Khomeini International University of Qazvin, Qazvin, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 11-22

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0002-0034-3209

TELL: +989125819451

Email: s.a.hoseini@isr.ikiu.ac.ir

Article history:

Received: 12 Jan 2025

Revised: 17 Mar 2025

Accepted: 26 Apr 2025

Published online: 22 Dec 2025

Keywords:

Judicial Comment, Freedom of Speech, Famous People, Repeated Article 512, Criminalization.

ABSTRACT

In addition to having supporters, the plan also had opponents who considered it contrary to the principle of freedom of expression and if the plan is approved, it will add an article to Article 512 of the Penal Code under the title "Repeated Article 512". In this article, which is written with a descriptive-analytical method, the feasibility of criminalizing judicial comment is discussed and its contradictions with the principle of freedom of speech are examined. The results of this article show that according to jurisprudence and legal standards, it is forbidden to express the judicial opinion of famous people, if it means negating the judge's ruling, based on the explicit text of the law and if it causes questioning of the judicial system and discredits judicial decisions, it can take a criminal nature, as it is criminalized in the French criminal law with these restrictions.



This is an open access article under the CC BY license. © 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Hoseini, SA; Bashiri, A & Bashiri, T (2025). "Feasibility Study on Criminalization of Judicial Comment of Famous People in the Light of the Principle of Freedom of Speech". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(4): 11-22.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

امکان‌سنجی جرم‌انگاری اظهار نظر قضایی افراد مشهور از رهگذر اصل آزادی بیان

سیدامراه حسینی*، عارف بشیری^۲، طاهره بشیری^۳

۱. دانشیار، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (نویسنده مسؤل)
۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
۳. کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

چکیده

با ناآرامی‌هایی که در سال ۱۴۰۱ اتفاق افتاد، کمیسیون حقوقی مجلس با هدف ایجاد محدودیت‌هایی برای اظهار نظر افراد مشهور در فضای حقیقی و مجازی، با پیشنهاد طرحی موسوم به «طرح ممنوعیت اظهار نظر قضایی افراد مشهور» موافقت نمود. طرحی که علاوه بر موافقان، دارای مخالفانی بود که آن را در تضاد با اصل آزادی بیان می‌شمردند و در صورت تصویب، منجر به الحاق یک ماده به ماده ۵۱۲ قانون تعزیرات به‌عنوان «طرح ماده ۵۱۲ مکرر» می‌شود. در این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی نگارش شده، به امکان‌سنجی جرم‌انگاری اظهار نظر قضایی پرداخته و تضادهای آن با اصل آزادی بیان مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد براساس موازین فقهی و حقوقی، اظهار نظر قضایی افراد مشهور در صورتی که به معنی نفی حکم قاضی باشد، براساس نص صریح ممنوع بوده و چنانچه موجب زیر سؤال بردن دستگاه قضا و بی‌اعتبار نمودن تصمیمات قضایی شود، می‌تواند ماهیتی مجرمانه بگیرد، همچنان که در قانون کیفری فرانسه، با این قیود، جرم‌انگاری شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱-۲۲

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید: ۰۰۰۹-۰۰۰۲-۰۰۳۴-۳۲۰۹

تلفن: +۹۸۹۱۲۵۸۱۹۴۵۱

ایمیل: s.a.hoseini@isr.ikiu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

اظهار نظر قضایی، آزادی بیان، افراد مشهور، طرح ماده ۵۱۲ مکرر، جرم‌انگاری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

از منظر قانون اساسی و حقوق شهروندی، همه شهروندان از حق آزادی بیان برخوردارند. آن‌ها می‌توانند در محدوده قانون، نظرات و عقاید خود را راجع به هر موضوعی منتشر و یا دریافت کنند و دولت باید به شکل ویژه‌ای این اصل را در همه زمینه‌های ارتباطاتی، رسانه‌ای و فضای مجازی مورد حمایت خود قرار دهد. آنچه که بررسی‌های پیرامون این مسائل را با پیچیدگی مواجه می‌سازد، نوع اعتراضات مردمی و جنبش‌های مدنی در نحوه واکنش به آرای صادره قضایی کشور - به‌ویژه آرای دادگاه‌های انقلاب - در محکومیت آشوبگران و تحریک‌کنندگان به آشوب و اعتراض است. اعتراضاتی که غالباً در مرکزیت آن‌ها، افرادی وجود دارند که به واسطه فعالیت‌های ورزشی یا هنری و یا رسانه‌ای، به جایگاه اجتماعی قابل توجهی نزد مردم دست یافته‌اند و هرگونه اظهار نظر غیراصولی و غیرکارشناسی از سوی ایشان راجع به آرای دادگاه‌ها در برخورد با مجرمین و برقراری امنیت در کشور، می‌تواند تأثیر شایانی بر افکار عمومی و اقبال آن‌ها در تعامل با نظام سیاسی برجای بگذارد. تمرکز این پژوهش بر همین مسأله، یعنی امکان‌سنجی جرم‌انگاری اظهار نظر قضایی از سوی این دسته افراد، با نگاهی به اصول مسلم قانون اساسی و اصل آزادی بیان به‌عنوان حق مسلم مردم، معطوف است.

به‌طور کلی دو دیدگاه از سوی صاحب‌نظران درخصوص این مسأله ارائه شده است. برخی حقوق‌دانان که رویکرد فلسفی به این مسأله داشته، معتقدند باتوجه به این که یکی از فلسفه‌های قانون‌گذاری، حفظ امنیت و آسایش عمومی است و هرگونه اقدامی که موجب تشویش اذهان عمومی شود، باید جرم محسوب شود، اظهار نظرهای غیرکارشناسی و غیراصولی از سوی این افراد، به‌طور مستقیم منجر به اغفال عمومی و متعاقباً شکل‌گیری اجتماعات غیرقانونی و نابه‌سامانی‌ها و محاذیری می‌گردد که قانون‌گذار برای آن‌ها مجازات تعیین کرده است. درحقیقت این مبنا، بی‌تأثیر از رویکرد امنیت سیاسی به مسأله و تحلیل برمبنای مؤلفه‌های آن نبوده و تحلیل جرم را با نگاهی دو ساحتی مد نظر قرار می‌دهد که در یک ساحت، نگاه، متمرکز بر روی مسأله

تشویش اذهان عمومی است و در ساحتی دیگر، معطوف به مسائل کلان بین‌المللی و پیامدهای سیاسی آن همچون تحریک گروه‌های مخالف نظام و افکار عمومی جهان به نام حقوق بشر است.

در مقابل این دیدگاه، رویکردی دیگر وجود دارد که اساساً مسأله را از منظر ساختاری و متأثر از نوع تعامل حکومت با مردم و بالعکس دانسته که مطابق آن، اشخاص دارای شهرت نیز جزئی از مردم عادی قلمداد شده و براساس اصل آزادی بیان حق دارند در تقابل با جریان‌های اجتماعی و سیاسی کشور، اظهار نظر نموده و در قالب جنبش‌های مدنی، تحلیل شخصی خود را ولو درخصوص احکام قضایی و آرای صادره دادگاه‌ها، ارائه کنند. این دیدگاه، معتقد است ناکارآمدی نظام قضایی کشور، متأثر از ساختار سیاسی و مدیریتی حاکم است، لذا هرگونه اظهار نظر قضایی، درحقیقت از رهگذر اصل آزادی بیان می‌گذرد و نمی‌توان شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی و آشوب‌های خیابانی را به اظهار نظر قضایی، ولو غیرکارشناسی افراد مشهور نسبت داد، بلکه چنین پدیده‌ای درحقیقت معلول ناکارآمدی نظام قضایی کشور است که باید از خسونت قانونی پرهیز کند.

در این میان، گزاره‌های فقه سیاسی و مشی اصولی مجتهدین در نحوه تفسیر این پدیده در حکومت اسلامی از یک‌سو و توجه به تأکیدات مسلمی که در ادله شرعی مبنی بر اعتبار و حجیت نظر قاضی در صدور احکام قضایی وارد شده است، از طرفی دیگر، ذهن را بر طرح مسائل بسیار مهمی رهنمون می‌شود که تحلیل آن‌ها، تنها از نگاه فقهی و حقوقی قابل بررسی است. این مقاله در تلاش است تا با نگاه فقهی و حقوقی، امکان‌سنجی جرم‌انگاری اظهار نظر قضایی را از رهگذر اصل آزادی بیان مورد بررسی قرار دهد.

۱- مفهوم اظهار نظر قضایی

شاید تعریفی که در طرح ماده ۵۱۲ مکرر قانون تعزیرات توسط نمایندگان مجلس تقدیم مجلس شد، تعریف مناسبی باشد. نمایندگان در پی این طرح آورده‌اند: «هر شخصی که دارای موقعیت شغلی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، علمی، فرهنگی و نظامی جامعه است، در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها،

تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی محکوم می‌شود و مسؤول جبران خسارات وارده نیز می‌باشد.

با این طرح، مشخص می‌گردد که نمایندگان مجلس درحقیقت به‌دنبال پرکردن خلأ قانونی هستند که بتوانند اظهار نظر افراد مشهور در فضای حقیقی یا مجازی که بازخورد گسترده و اخلال شدید در نظم کشور می‌شوند را جرم‌انگاری کنند. نکته قابل ذکر این‌که ماده ۵۱۲ تعزیرات می‌گوید:

«هرکس مردم را به قصد برهم‌زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یا یکدیگر اغوا یا تحریک کند، صرف نظر از این‌که موجب قتل و غارت بشود یا نشود، به یک تا پنج‌سال حبس محکوم می‌گردد.» این ماده در جرایم علیه امنیت بررسی می‌شود و طرح ماده ۵۱۲ هم ذیل این ماده آورده شده است و در واقع طبق طرح ماده ۵۱۲ مکرر، هر نوع اظهار نظری قبل از اظهار نظر مرجع رسمی، یک جرم امنیتی قلمداد شده است.

۳- آرا و رویه قضایی

قبل از بررسی امکان‌سنجی جرم‌انگاری اظهار نظر قضایی، ابتدا لازم است واکنش دستگاه قضا به اظهارات افراد مشهور و آرای که از سوی قضات دادگاه‌ها صادر شده است، بررسی شود. به‌طور کلی می‌توان گفت اظهارات و بازخوردهایی که افراد مشهور و پرمخاطب نسبت اتفاقات و ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ در فضای مجازی مثل توئیتر، اینستاگرام و ... داشتند، با واکنش‌های متنوعی از سوی قوه قضاییه مواجه شده است. عناوینی همچون «تحریک»، «برهم‌زدن نظم جامعه»، «تشویش اذهان عمومی» از عناوینی است که به واکنش‌های افراد مشهور منتسب شده است.

آرای قضایی انواع اظهارات سلبریتی‌ها و افراد مشهور، شامل موارد زیر می‌باشد:

۳-۱- رأی قضایی در کیفرخواست اشاعه مطالب کذب

براساس ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت

می‌توان به نمونه رأی قضایی مربوط به ماجرای پرونده فردی با نام ه.ت، بازیگر سینما و تلویزیون اشاره نمود که در فضای مجازی اینستاگرام، متنی برای مهسا امینی بیان نموده است: «من می‌هوشم. دردی که خانواده‌اش می‌کشند و دردی که خودش کشیده. چطور می‌شود از عدالت حرف زد؟ فریاد زد؟ سکوت کرد؟

مقالات، پیام‌ها و یادداشت‌های خود در فضای حقیقی یا مجازی در مورد اموری که نیاز به اظهار نظر مراجع رسمی است و هنوز اعلام نظر رسمی نشده است، مطالبی را خلاف واقع، بیان کند که بازخورد گسترده داشته باشد و در اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع مؤثر باشد...»

نکته اینجاست که این‌که آیا قیدی که در این طرح ذکر شده: «بازخورد گسترده داشته باشد و در اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع مؤثر باشد.» جزء تعریف موضوع است و به‌عبارتی قید برای موضوع حکم است یا قید خود حکم، جای بحث و بررسی است.

۲- خاستگاه طرح ماده ۵۱۲ مکرر

با ناآرامی‌هایی که در سال ۱۴۰۱ اتفاق افتاد، کمیسیون حقوقی مجلس با هدف ایجاد محدودیت‌هایی برای اظهار نظر افراد مشهور در فضای حقیقی و مجازی با الحاق یک ماده به ماده ۵۱۲ قانون تعزیرات به‌عنوان «طرح ماده ۵۱۲ مکرر» موسوم به «طرح ممنوعیت اظهار نظر قضایی افراد مشهور»، به مجلس پیشنهاد دادند. موضوع این ماده مکرر، خصوص افراد مشهور، پرمخاطب و در اصطلاح عامیانه «سلبریتی‌ها» است. مطابق این طرح: «هر شخصی که دارای موقعیت شغلی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، علمی، فرهنگی و نظامی جامعه است، در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، مقالات، پیام‌ها و یادداشت‌های خود در فضای حقیقی یا مجازی در مورد اموری که نیاز به اظهار نظر مراجع رسمی است و هنوز اعلام نظر رسمی نشده است، مطالبی را خلاف واقع، بیان کند که بازخورد گسترده داشته باشد و در اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع مؤثر باشد، اگر از مصادیق افسادفی‌الارض موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ نباشد، علاوه‌بر محکومیت به مجازات درجه سه به مجازات نقدی معادل دو برابر خسارات وارده به

سایر قضات و اساتید دعوت می‌کنم. بعد سال‌ها کار روی آرای دیوان عالی کشور، سوگند یاد می‌کنم که نظر اکثر قضات شریف دیوان بر عدم تحقق محاربه است.»^۴

برخی دیگر از حقوق‌دانان نیز نوشتند: «جرم محسن شکاری بر فرض احراز، طبق ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ حبس بود نه اعدام...، گشاده‌دستی در صدور احکام محاربه که چه‌بسا با عقل و شرع هم مغایرت دارد...، راه حل تحبیب قلوب بود نه تنفیر قلوب.»^۵ مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان نیز در این باره گفت: «شکاری را اعدام کردند. افرادی که معترضند را حکم اعدام می‌دهید، اما آن‌ها آدم نکشند. این صحیح نیست و با استدلال از قرآن نادرست است.»^۶

نکته قابل ذکر این‌که قوه قضاییه نسبت به اظهار نظر حقوق‌دانان و کارشناسان حقوقی مشهور، هیچ‌گونه کیفرخواستی صادر نکرده است، درحالی‌که طرح ماده ۵۱۲ مکرر تعزیرات، عمومیت دارد و هرگونه فرد مشهور اعم از حقوق‌دانان و غیرحقوق‌دانان را دربر می‌گیرد.

۳-۳- امکان‌سنجی جرم‌انگاری ماده ۵۱۲ مکرر و اشکالات آن

به‌منظور بررسی امکان‌سنجی جرم‌انگاری طرح ماده ۵۱۲ مکرر ق.م.ا.ت. ضروری است ارکان جرم اعم از رکن قانونی و مادی و معنوی مورد بررسی قرار گیرد. درحقیقت، با بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های این طرح با جرم تشویش اذهان عمومی و خود ماده ۵۱۲ قانون تعزیرات، می‌توان با شناخت دقیق‌تری درخصوص اصل مسأله، ارائه نظر نمود.

۳-۳-۱- ارکان تشکیل‌دهنده جرم طرح ماده ۵۱۲ مکرر همان‌طور که گفته شد، هر جرم دارای ارکانی است که با حصول آن‌ها جرم تحقق می‌یابد. در ادامه ارکان سه‌گانه جرم طرح ماده ۵۱۲ مکرر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به کدام جرم؟ چرا؟ چرا؟ عاجزم و مبهوت و غمگین و خشمگین. همین دختر ۲۲ ساله، جرم؟ بدحجابی؟ متأسفم و با تمام وجودم احساس استیصال و بدبختی می‌کنم!»^۱

براساس رأی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب و با استناد به ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات، شخص مزبور مجرم شمرده شده و بابت انتشار مطالب خلاف واقع به قصد تشویش اذهان عمومی به تحمل شش‌ماه حبس تعزیری و پرداخت ۱۵ میلیون تومان جزای نقدی محکوم که اجرای حبس به مدت سه‌سال معلق گردید.^۲

براساس ماده فوق، در جرم تشویش اذهان عمومی، مطالب خلاف واقع که در مورد آن مطلب، توسط مراجع رسمی، اظهار نظر شده و چنان‌چه فردی بخواهد برخلاف مرجع رسمی، مطالبی را بیان کند که باعث تشویش اذهان عمومی شود، طبق ماده ۶۹۸ قانون مجازات تعزیرات مجازات می‌شود.

۳-۲- رأی قضایی مؤید طرح ماده ۵۱۲ مکرر قانون مجازات اسلامی تعزیرات

مورد دیگر، اظهار نظر افراد درخصوص پرونده فردی به نام «محسن شکاری» است که در نآرامی‌های ۱۴۰۱ محکوم به محاربه از سوی دادگاه شد^۳ که حکم مزبور، از سوی بسیاری از کارشناسان مشهور حقوقی قابل تردید دانسته شد. پس از صدور حکم دادگاه، عده‌ای افراد مشهور در فضای مجازی حکم مذکور را خلاف عدالت برشمرده و نسبت به آن واکنش نشان دادند.

برخی از حقوق‌دانان مشهور در واکنش به این رأی از سوی قوه قضاییه تصریح نمودند: «درخصوص پرونده مرحوم محسن شکاری و اشتباه‌بودن حکم محاربه، بازپرس و قاضی شعبه صادرکننده رأی و قضات شعبه تأییدکننده را به مناظره در حضور

۱- ر.ک: «پست احساسی ه.ت برای مهسا امینی»، پایگاه خبری بهار نیوز، ۱۴۰۱، قابل‌بازبینی در پیوند: <https://www.bahamnews.ir/news/358734/>.

۲- ر.ک: «ه.ت به شش‌ماه حبس محکوم شد»، پایگاه خبری همشهری آنلاین، ۱۴۰۲، قابل‌بازبینی در پیوند: <https://www.hamshahrionline.ir/news/808694/>.

۳- ر.ک: «اعتشاشگری که خیابان ستارخان تهران را بست، اعدام شد/ این فرد با قمه یک نیروی حافظ امنیت را مجروح کرده بود»، پایگاه خبری رضوی، ۱۴۰۱، قابل‌بازبینی در پیوند: <https://www.razavi.news/fa/news/102473>.

۴- ر.ک: «واکنش‌های داخلی مخالف و موافق و واکنش خارجی به حکم اعدام اخیر»، پایگاه خبری انصاف، ۱۴۰۱، قابل‌بازبینی در پیوند: <https://ensafnews.com/385927/>.

۵- همان.

۶- همان.

۳-۱-۳-۱- تحقیق در رکن قانونی و مادی طرح ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات

طرح ماده ۵۱۲ مکرر، این جرم را در زمره جرایم مربوط به امنیت و آسایش افراد مورد بررسی قرار داده است که نیازمند تطبیق و مقایسه طرح ماده ۵۱۲ ق.م.ا.ت با ماده ۵۱۲ تعزیرات که مربوط به جرایم امنیتی است. با تحلیل آرای قضایی، به نظر می‌رسد مستندات قانونی قانون مجازات اسلامی برای طرح ماده ۵۱۲ مکرر، ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات و ماده ۵۱۲ قانون تعزیرات است:

۳-۱-۱-۳-۱- بررسی جرم تشویش اذهان عمومی و مقایسه آن با طرح ماده ۵۱۲ مکرر

رویه قضایی دادگاه‌های ایران (مربوط به پرونده‌های ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱)، برای افرادی که اظهار نظری خلاف واقع داشته باشند که باعث برهم‌زدن نظم جامعه و امنیت داخلی کشور شوند، تحت عنوان «تشویش اذهان عمومی» کیفرخواست صادر نموده است. با این حال در طرح ماده ۵۱۲ مکرر نیز، نوعی اظهار نظر خلاف واقع توسط افراد مشهور در فضای حقیقی و مجازی که باعث بی‌نظمی و اختلال گسترده و تشویش اذهان عمومی شود، جرم‌انگاری شده است.

جرم تشویش اذهان عمومی یا اشاعه کذب، در زمره جرایم علیه اشخاص و در جرایم علیه شخصیت معنوی افراد بررسی می‌شود، ولی طبق نظر دکتر میرمحمدصادقی این جرم، از یک نظر می‌تواند جزء جرایم علیه امنیت داخلی کشور محسوب شود، زیرا در آن، مطالبی بی‌اساس و با علم به دروغ بودن آن، بین مردم پخش می‌شود و بدین‌وسیله امنیت و آسایش عمومی مختل می‌گردد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۲۶۱).

مطابق نص ماده ۶۹۸ ق.م.ا.ت هرگونه انتشار و اشاعه با سوءنیت، اخبار دروغ و وقایع خلاف واقع به‌وسیله نامه یا شکوائیه یا مراسلات یا عریض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی در جامعه به‌وسیله مطبوعات و رسانه و یا افراد، به‌طوری‌که ذهن افراد جامعه را نسبت به آن خبر کذب و خلاف واقع مشوش کند، تشویش اذهان عمومی قلمداد شده است.

تفاوت واضح جرم تشویش اذهان عمومی ماده ۶۹۸ تعزیرات، با طرح ماده ۵۱۲ مکرری این است که در جرم تشویش اذهان عمومی، نشر مطالب خلاف واقع توسط افراد بعد از اظهار نظر مرجع رسمی را جرم قلمداد نموده است، ولی در طرح مورد بحث، اظهار نظر افراد مشهور فرهنگی، سیاسی، ورزشی و ... قبل از اظهار نظر مرجع رسمی را جرم‌انگاری کرده است. بنابراین روشن می‌شود که در طرح ماده ۵۱۲ مکرر «صدق و کذب‌بودن» اظهار نظر افراد مشهور اهمیتی ندارد، بلکه آن‌چه اهمیت دارد، اظهار نظر افراد مشهور قبل از اظهار نظر مقام رسمی است.

۳-۱-۱-۲- بررسی جرم اغوا و تحریک مردم موضوع ماده ۵۱۲ و مقایسه با طرح ماده ۵۱۲ مکرر

نمایندگان مجلس طرح مورد بحث را ذیل ماده ۵۱۲ قانون تعزیرات آورده‌اند به این دلیل که در هر دو ماده (یعنی موضوع طرح ماده ۵۱۲ و موضوع ماده ۵۱۲ قانون تعزیرات) به‌نوعی «تحریک» و «اغوای افراد جامعه» وجود دارد. عنصر مادی طرح ماده ۵۱۲ از دو قسمت تشکیل شده است: ۱- مطالب خلاف واقع در فضای حقیقی و مجازی بیان کند؛ ۲- در اموری که نیاز به اظهار نظر مراجع رسمی است و هنوز اعلام رسمی نشده است. ارتکاب رکن مادی طرح ۵۱۲ مکرر مشتمل بر بیان کذب به‌نحو خلاف واقع در سطح جامعه است و نیازی نیست که منشأ آن‌چه که به دیگری نسبت داده می‌شود، به‌صورت مستقیم خود نسبت‌دهنده باشد، بلکه ممکن است به‌صورت نقل قول از دیگران باشد. باتوجه به موضوع طرح ماده ۵۱۲ مکرر ق.م.ا.ت که مشتمل بر مطالب خلاف واقع اشاعه اخبار قبل از اظهار نظر مقام رسمی است، این جرم فقط با فعل مثبت مادی تحقق پیدا می‌کند.

نقد و بررسی فقهی: در اصول فقه جملات به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- جملات انشایی؛ ۲- جملات خبری. در تعریف جملات انشایی گفته شده که به جمله‌ای که بر ابراز یا ایجاد معنایی دلالت کند، جمله انشایی گویند، مانند «صلِّ» (نماز بگذار) که بر ایجاد یا ابراز طلب و برانگیختن مکلف به نماز دلالت دارد، برخلاف جمله خبری که مفاد آن اخبار از وقوع یا عدم وقوع فعلی است. از این‌رو، جمله انشایی به صدق و کذب

با مسأله این مقاله نیست، اما این ادعا که «جرم محسن شکاری نباید محاربه باشد» یا «حکم محسن شکاری اعدام نیست» یک رویداد و خبر نیست که قابلیت صدق و کذب داشته باشد، بلکه یک حکم انشایی است که دقیقاً در خلاف آن چه سیستم قضا حکم کرده است، صحبت می‌کند.^۱

بنابراین به نظر می‌رسد اظهار نظر قضایی افراد مشهور تا زمانی که رأی قطعی صادر نشده است را نمی‌توان جرم‌انگاری کرد و مشمول اصل آزادی بیان است، به عبارتی دیگر اصل بر این است که تا زمانی که رأی قطعی در مورد پرونده از دستگاه قضا صادر نشده است، اظهار نظر در مورد حکم پرونده چندان قابل توجه و اعتنا نیست، مگر این که - همان طور که گفته شد - با قصد مجرمانه باشد، اما در صورتی که افراد مشهور (و غیرمتخصص در علم حقوق) بعد از صدور رأی، در مورد حکم آن اظهار نظر قضایی کنند، چنانچه این اظهار نظر برخلاف حکم دادگاه باشد و موجب اخلاص شدید در جامعه شود، قابل اعتنا بوده و نیازمند بررسی و امکان‌سنجی جرم‌انگاری است.

باتوجه به مطالبی که ارائه شد، می‌توان نتیجه گرفت که رکن مادی طرح ماده ۵۱۲ مکرر که اشعار نموده «اظهار نظر افراد مشهور قبل از اظهار نظر مقام قضایی» فاقد اثر قانونی بوده و خلاف اصل آزادی بیان است و نمی‌توان به آن ترتیب اثر داد و با موازین فقهی و حقوقی نیز سازگاری ندارد.

۳-۳-۱-۱-۳- امکان اثبات صحت مورد اسناد

- **موضوع جرم:** هر جرمی دارای موضوع خاصی است که جرم علیه آن واقع می‌شود. موضوع جرم طرح ماده ۵۱۲ مکرر در جرایم امنیتی بررسی می‌شود. اصولاً صفت مجرمانه در این طرح به رفتار به‌خصوصی اطلاق می‌شود که باعث برهم زدن نظم جامعه و امنیت داخلی شده، اخلاص شدید در نظم عمومی به‌وجود می‌آورد و باعث نا امنی و ورود خسارات عمده

متصف نمی‌شود، برخلاف جمله خبری که برای دلالت بر ثبوت یا عدم ثبوت نسبت بین دو چیز در واقع وضع شده باشد که در صورت مطابقت نسبت کلامی با واقع، جمله متصف به صدق و در صورت عدم مطابقت، متصف به کذب می‌شود. به بیان ساده‌تر جمله‌های خبری به جمله‌هایی می‌گویند که حکایت‌کننده بوده و قابل تصدیق و تکذیب هستند (خوئی، ۱۳۹۳: ۵۲/۲؛ صدر، ۱۴۰۵: ۱/۲۸۵-۲۸۴).

روشن است که احکام قضایی، از نوع جملات انشایی هستند و آرای قضایی که از سوی محاکم صادر می‌شود، در قالب انشا هستند که بر افراد جامعه الزام‌آور است و (همچنان که در تحلیل‌های فقهی صفحات بعدی خواهد آمد) براساس شرع مقدس، همگی مکلف به اطاعت از رأی قطعی دادگاه هستند.

بنا به توضیحات ارائه شده، باید بررسی کرد که اظهار نظر قضایی نوعی جمله خبری محسوب می‌شود یا انشایی؟ و این که جملاتی که قابلیت صدق و کذب ندارند را می‌توان جرم‌انگاری کرد یا نه؟

همان‌طور که بیان شد، عنصر مادی طرح ماده ۵۱۲ از دو قسمت تشکیل شده است. بنابراین مسأله هم از دو جهت مفروض است: ۱- اظهار نظر قبل از اعلام رسمی؛ ۲- اظهار نظر بعد از اعلام رسمی.

از آنجایی که فرض بر این است که دستگاه قضا پیرامون یک پرونده، هنوز حکمی صادر نکرده است، معمولاً اساتید و کارشناسان حقوقی پیرامون مسأله اظهار نظرهایی می‌کنند و حتی افراد مشهور نیز بعضاً به ارائه نظر شخصی خویش مبادرت می‌ورزند. پوشیده نیست که متن ماده از این حیث دارای ابهام است، زیرا اظهار نظر پیرامون فعلی که شخص مرتکب در حین ارتکاب جرم انجام داده است با اظهار نظر در مورد حکم پرونده، متفاوت است، زیرا اولی قابل صدق و کذب است و دومی خیر. برای مثال، قضیه [به‌معنای علم منطق]:

«خانم امینی به‌دلیل ضرب و شتم مأمور انتظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفته است»، یک قضیه خبری است که حکایتی از یک رویداد در گذشته می‌کند و قابلیت صدق و کذب دارد و می‌تواند مشمول «جرم نشر اکاذیب» باشد که چندان مرتبط

۱- ممکن است یک عبارت انشایی، گویای یک جمله خبری هم باشد، مثلاً در عبارت «جرم محسن شکاری محاربه نیست»، شاید بتوان گفت این قضیه، یک قضیه خبری هم هست، زیرا نگاهی به نوع ارتکاب و فعل دارد و قابل تأویل به این عبارت است: «محسن شکاری، کارهایی انجام نداده است که محاربه باشد» و حال آن که ممکن است در واقع، کارهایی انجام داده باشد و شخص سلبی از آن بی‌خبر باشد.

نزدیک است، ماده ۵۱۲ تعزیرات و همچنین جرم تشویش اذهان عمومی در ماده ۶۹۸ و مواد ۵۰۰ و ۵۰۲ تعزیرات است که مجازات آن‌ها درجه ۵ یا ۶ است، درحالی‌که در طرح ماده ۵۱۲ مکرر مجازات درجه ۳ را مطرح کرده است که باتوجه به موضوع طرح ماده ۵۱۲ که اظهار نظر افراد مشهور قبل از اظهار نظر مقام رسمی است، تناسب جرم مجازات در طرح ماده ۵۱۲ مکرر رعایت نشده است.

۴- بررسی قانون مجازات فرانسه

در قانون مجازات فرانسه اظهار نظر قضایی تحت عنوان «جرم انتقاد از رأی قضایی»^۱ جرم‌انگاری شده است. قانون فرانسه در ماده ۲۵-۴۳۴ مقرر نموده است: «تلاش برای بدنام کردن علناً با اعمال، گفتار، نوشتار یا تصاویر از هر ماهیت، در مورد عمل یا تصمیم قضایی، در شرایطی که ممکن است به اقتدار عدالت یا استقلال آن خدشه وارد کند، به شش‌ماه حبس و جزای نقدی ۷۵۰۰ یورو محکوم می‌شود.»^۲

تبصره ۱ این ماده مفاد ماده مقرر نموده است: «در مورد نظرات فنی یا اعمال، کلمات، نوشته‌ها یا تصاویری با هر ماهیتی که به اصلاح، تغییر یا بازنگری یک تصمیم تمایل دارند، اعمال نمی‌شود.» تبصره ۲ ماده ۲۵-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه نیز مقرر می‌دارد: «در صورتی که جرم از طریق مطبوعات مکتوب یا سمعی و بصری ارتکاب یابد، مقررات خاص قوانین حاکم بر این امور باتوجه به تعیین افراد مسؤول قابل اجرا است.»

ماده ۲۵-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه، از جمله جرایم مطلق است و با هر نوع وسیله چه نوشتاری چه گفتاری یا عملی یا هر ماهیتی که باعث بی‌اعتباری دستگاه قضا و نقض استقلال دستگاه قضایی شود را جرم‌انگاری کرده است.

در توضیح این ماده در قانون مجازات فرانسه می‌توان به موضوع پرونده‌ای اشاره کرد که در کشور فرانسه رخ داده است. در طی یک اتفاقی، افسر پلیس به دلیل دروغ‌گفتن با متهم کردن فرد مظنونی که با ماشین تحت تعقیب قرار گرفته

ممکن است شخصی اصلاً حصول نتیجه را نخواهد و قصد آن را نیز نداشته باشد، اما به‌طور نسبتاً قطعی مطمئن باشد که با رفتار وی ممکن است نتیجه مجرمانه حاصل شود (یک‌رنگی و عالی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

بر همین اساس حال برای تیره‌شدن متهم از وقوع جرمی که نیازمند نتیجه است و اتفاقاً آن نتیجه نیز در عمل واقع شده است، باید به دو سؤال پاسخ داده شود: اول آن که «آیا مرتکب نتیجه را می‌خواسته است یا خیر؟» و اگر پاسخ منفی بود، باید به سؤال دوم پاسخ داده شود؛ این که «آیا مرتکب می‌دانسته است که با عملش ممکن است نتیجه حاصل شود یا خیر؟»، اگر پاسخ به این سؤال مثبت باشد، می‌توان گفت که عنصر معنوی جرم کامل است و با جمع سایر شرایط متهم قابل مجازات است.

با این توضیحات روشن می‌شود در طرح ماده ۵۱۲ مکرر طبق متن، چنانچه افراد مشهور اظهار نظری قبل از اظهار نظر مقام رسمی کنند، صرف نظر از این که این افراد قصد برهم‌زدن نظم جامعه یا ایجاد اختلال را داشته باشند یا خیر، چنانچه اظهار نظر آن‌ها به بی‌نظمی و اخلال شدید منجر شود و به نتیجه‌ای که افراد موضوع این ماده قصد آن را ندارند، بیانجامد، جرم محقق شده است.

این تعلیل، به مقیدبودن ماهیت جرم اظهار نظر قضایی قوت می‌دهد و ظاهر طرح گویای همین است، چراکه در بخشی از ماده مذکور آمده است: «... مطالبی را خلاف واقع، بیان کند که بازخورد گسترده داشته باشد و در اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده ... در حد وسیع مؤثر باشد.»

۳-۳-۱-۲-۲- استناد به اصل تناسب جرم و مجازات‌ها در طرح ماده ۵۱۲ مکرر

جرم و مجازات همانند دو کفه ترازوی عدالت هستند و رعایت تناسب میان جرم و مجازات، از جمله بایسته‌های اولیه و اساسی تحقق عدالت است. تناسب، هماهنگی و هم‌سوئی میان مجازات و جرم از لوازم یک نظام کیفری معتدل است (کوشا، ۱۳۹۰: ۶۹). داشتن مبنایی منطقی برای مجازات‌ها، از اصول اولیه و بنیادین نظام عدالت کیفری و عامل مشروعیت آن است. جرایم امنیتی که به طرح ماده ۵۱۲ مکرر بسیار

^۱- The Crime of Criticizing a Judicial Decision

^۲- ر.ک: «republique francaise Code pénal»، ۲۰۱۷، قابل‌بازبینی در

پیوند زیر:

<https://www.legifrance.gouv.fr/codes/articlelc/LEGIARTI000034099894>.

علی‌رغم این‌که در فقه امامیه نقض حکم قاضی حرام مؤکد است، در حقوق ایران خلأ قانونی در بحث نقض حکم قاضی وجود دارد و نیازمند جرم‌انگاری است، چه‌بسا اگر در متن طرح ماده ۵۱۲ مکرر به‌جای عبارت «اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع مؤثر باشد»، همچون قانون فرانسه، قید «بی‌اعتبار جلوه‌دادن نظام قضایی» ملاک قرار بگیرد، مقصود قانون‌گذار را بیشتر تأمین می‌کرد، زیرا خاصیت و بلکه غرضی که سبب پیشنهاد این طرح شده - باتوجه به خاستگاه آن - یک مسأله امنیتی است. از سویی دیگر قانون‌گذار در مواد مختلف، هرگونه تحریک و اغوا و یا تشویش اذهان عمومی را جرم‌انگاری نموده است و دیگر نیازی به این قیود نیست.

نتیجه‌گیری

اظهار نظر افراد مشهور زمانی دارای محاذیر قانونی و شرعی است که مقام قضایی و مقام رسمی درخصوص یک مسأله، حکم صادر نموده و تصمیم‌گیری کرده باشد. به‌عبارت دیگر، زمانی می‌توان اظهار نظر قضایی را جرم و ممنوع تلقی نمود که بعد از ارائه نظر مقام رسمی و قضایی صورت گرفته باشد، اما در موردی که اظهار نظر قضایی افراد مشهور، قبل اظهار نظر مقام قضایی و رسمی است، به‌نظر می‌رسد چنین اظهار نظری را باید مشمول اصل آزادی بیان برشمرد، زیرا هنوز اعلام رسمی از سوی دستگاه قضا صورت نگرفته است. بنابراین اصل مسأله را باید در جایی دانست که دستگاه قضا پیرامون یک پرونده، حکمی صادر کند و یک سلبریتی با اظهار نظر شخصی خود، بخواهد آن را ناعادلانه توصیف کند، زیرا آن‌چه که می‌تواند موجب زیر سؤال بردن دستگاه قضا و تصمیمات قضایی باشد، زمانی است که رأیی از سوی مقامات قضایی صادر شده باشد و فرد مشهور بخواهد حکم آن را مخدوش و بی‌اعتبار جلوه دهد، همچنان‌که در رویه قانون فرانسه، اظهار نظر و انتقاد از رأی دادگاه در صورتی‌که باعث بی‌اعتبار جلوه‌دادن سیستم قضایی شود را جرم محسوب شده است. این رویه در میان در میان اسناد بین‌المللی نیز کاملاً مشهود است و موارد متعددی یافت می‌شود که به‌صورت

بود، به‌دلیل برخورد با یکی از افسران پلیس، درحالی‌که دیگر افسران پلیس در واقع منشأ تصادف بودند، افسر پلیس خاطی به زندان محکوم می‌شود. در واکنش به این رأی دادگاه فرانسه، وزیر وقت کشور فرانسه آقای بریس هورتفو^۱ اعلام می‌کند: «این حکم که هریک از این هفت مقام (افسران پلیس) را به حبس محکوم می‌کند، از نظر امنیتی نامتناسب به‌نظر می‌رسد.» در پاسخ به اظهارات بریس هورتفو، اتحادیه قضات از وزیر دادگستری خواست تا از اتحادیه‌های پلیس و بریس هورتفو به دلیل بی‌اعتبار کردن تصمیم دادگاه یا اعمال فشار بر دادگاه قبل از تجدید نظر، شکایت نماید.^۲

۵- محدوده اظهار نظر قضایی در فقه امامیه و حقوق ایران

باتوجه به توضیحاتی که ارائه گردید، دانسته شد که در حقوق فرانسه، انتقاد از حکم دادگاه (انتقاد از آرای قضایی) با استناد به مواد ۲۵-۴۳۴ قانون مجازات فرانسه، ممنوع اعلام شده است. این مسأله در شرع اسلامی با عنوان حرمت «نقض حکم قاضی» و «حجیت علم قاضی» دارای سابقه دیرینه بوده و مستند آن، روایات بسیاری از معصومین (ع) است که دارای تواتر می‌باشد. از نگاه فقهای اسلامی - به‌ویژه امامیه - حکمی که توسط قاضی صادر می‌شود، دارای اعتبار شرعی بوده و نقض حکم قاضی حرام، بلکه در برخی روایات نظیر مقبوله عمر بن حنظله، به‌منزله شرک قلمداد شده است (کلینی، ۱۴۰۹: ۹۹/۱۸).

بنابر گفته سیدمرتضی در کتاب انتصار، تمام عالمان شیعه قائل به حجیت علم قاضی در حق الناس هستند و در مورد رأی قاضی براساس علم خود در حدود الهی فقط عده معدودی مخالفت کرده‌اند. همچنین از میان اهل سنت، ابوحنیفه در برخی شرایط، علم قاضی را نافذ می‌داند. شافعی نیز در حقوق مردم و در حدود الهی امکان حجیت را پذیرفته است، اما مالک حجیت علم قاضی را قبول ندارد (علم‌الهدی، ۱۴۱۵: ۴۸۷-۴۸۶).

^۱ - Brice Hortefeux.

^۲ - ر.ک: «Est-il interdit de commenter une décision de justice»، ۲۰۱۰، قابل‌بازبینی در پیوند مقابل: <https://www.slate.fr/story/31559>

اگر نیازمند نقد آرای دادگاه باشند، از شمول طرح ماده ۵۱۲ مستثنی می‌شوند.

۴- مجازات طرح ماده ۵۱۲ مکرر شامل «... علاوه بر محکومیت به مجازات درجه سه به مجازات نقدی معادل دو برابر خسارات وارده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی محکوم می‌شود و مسؤول جبران خسارات وارده نیز می‌باشد» است که باتوجه به تناسب جرم مجازات و بررسی جرایم مربوط به علیه امنیت و آسایش مجازات درجه سه برای این طرح نا متناسب به نظر می‌رسد و می‌توان مجازات درجه ۵ یا مجازات درجه ۶ برای این طرح در نظر گرفت.

۵- باتوجه به خلأ قانونی در بحث بی‌اعتباری دستگاه قضا وجود دارد، می‌توان به‌عنوان پیشنهاد ماده واحد به قانون مجازات اسلامی اضافه شود که متن ماده به شرح ذیل است: «تلاش برای بدنام کردن دستگاه قضایی کشور علناً با اعمال، گفتار، نوشتار یا تصاویر از هر ماهیت، در مورد عمل یا تصمیم قضایی، در شرایطی که ممکن است به اقتدار عدالت یا استقلال آن خدشه وارد کند، به مجازات حبس و جزای نقدی درجه ۶ محکوم می‌شود. تبصره ۱: در مورد نظرات فنی از سوی افراد متخصص و اهل فن و کارشناس حقوقی یا اعمال، کلمات، نوشته‌ها یا تصاویری با هر ماهیتی که به اصلاح، تغییر یا بازنگری یک تصمیم تمایل دارند، اعمال نمی‌شود؛ تبصره ۲: در صورتی که جرم از طریق مطبوعات مکتوب یا سمعی و بصری ارتکاب یابد، مقررات قوانین خاص حاکم بر این امور با توجه به تعیین افراد مسؤول قابل اجرا است.»

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: مشترک.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

مستقیم یا غیرمستقیم، اظهار نظر قضایی که منجر به تحریک و تشویش مردم یک کشور شود را محکوم می‌کنند، از جمله می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۲۵ دسامبر ۱۹۶۶ اشاره نمود. یکی از اصول ذیل این ماده، «منع به‌کارگیری بیان تنفرآمیز و تحریک به خشونت» است. اصل پیش‌گفته، نشانگر محدودیتی خاص بر حق آزادی بیان است و بیانگر ممنوعیت و لزوم جرم‌انگاری بیان تنفرآمیز در حقوق داخلی دولت‌های عضو می‌باشد.

پیشنهادهای پژوهش: از آنجایی که عدم جرم‌انگاری اظهار نظر قضایی، با مفاسد متعددی همراه است و طرح ماده ۵۱۲ مکرر نیز با مناقشات فراوانی مواجه است، بنابراین پیشنهاد می‌شود:

۱- رکن ماده این طرح اظهار نظر افراد که جایگاه سیاسی اجتماعی... قبل از اظهار نظر مقام رسمی را جرم‌انگاری کرده که در تضاد با اصل آزادی بیان است که به «اظهار نظر افراد که جایگاه اجتماعی سیاسی... بعد از اظهار نظر مقام رسمی» تغییر یابد.

۲- در متن طرح ذکر شده است «... مطالبی را خلاف واقع، بیان کند که بازخورد گسترده داشته باشد و در اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع مؤثر باشد...» که نیازمند است عبارت «به قصد» یا «باعث» به این متن اضافه شود تا سوءنیت خاص در طرح ماده آشکار باشد و این طرح از جرم از مادی صرف به جرم مقید تبدیل شود.

۳- اضافه‌شدن یک تبصره به این طرح که متن تبصره بدین شرح است «مفاد ماده در مورد نظرات فنی یا اعمال، کلمات، نوشته‌ها یا تصاویری با هر ماهیتی که به اصلاح یا انتقاد از آرای دادگاه توسط جامعه حقوقی، تغییر یا بازنگری یک تصمیم تمایل دارند، اعمال نمی‌شود.» با اضافه‌شدن این تبصره افراد متخصص حقوقی و دانشجویان حقوق که در مقالات یا استادهای دانشگاه در دانشگاه و سخنرانی‌های خود

- پایگاه خبری رضوی (۱۴۰۱). *اغتشاشگری که خیابان ستارخان تهران را بست اعدام شد*. قابل دسترسی در: <https://www.razavi.news/fa/news/102473>.

- پایگاه خبری همشهری آنلاین (۱۴۰۲). *ه.ت به ۶ ماه حبس محکوم شد*. قابل دسترسی در: <https://www.hamshahronline.ir/news/808694/>.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲). *حقوق جزای عمومی*. تهران: انتشارات میزان.

- خوئی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۳). *مصباح الفقاهه فی المعاملات*. جلد دوم، قم: انتشارات فقهات.

- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۵). *دروس فی علم الاصول*. جلد اول، بیروت: دارالمنتظر.

- علم‌الهدی، سیدمرتضی (۱۴۱۵). *انتصار*. قم: انتشارات اسلامی.

- کلینی، محمد (۱۳۸۱). *الکافی*. جلد هجدهم، قم: انتشارات دارالحدیث.

- کوشا، جعفر (۱۳۹۰). *بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی*. تهران: انتشارات مجد.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵). *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*. تهران: انتشارات میزان.

- یکرنگی، محمد (۱۳۹۷). *تقریرات درس حقوق جزای عمومی*. تهران: چاپ دانشگاه تهران.

- یکرنگی، محمد و عالی‌پور، حسن (۱۳۹۴). «معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه». *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲(۳-۲): ۱۵۵-۱۶۹.

ب. سایت‌ها

- پایگاه خبری انصاف (۱۴۰۱). *واکنش‌های داخلی مخالف و موافق و واکنش خارجی به حکم اعدام اخیر*. قابل دسترسی در: <https://ensafnews.com/385927/>.

- پایگاه خبری بهارنیوز (۱۴۰۱). *پست احساسی ه.ت برای مهسا امینی*. قابل دسترسی در: <https://www.baharnews.ir/news/358734/>.